

## «شناخت هدفهای رفتاری - تربیتی آموزش و ارزشیابی آن»



نوشته: سیدمهدی میرجلالی

مقدمه:

بطورکلی هدف از آموزش آن است که در پایان هر دوره آموزشی برحسب هدفهای آن دوره، در تفکر، احساسات، نگرشها و اعمال شرکت کنندگان در دوره تغییراتی بوجود آید که آن را تغییر رفتار می‌نامند. منظور از شناخت هدفهای رفتاری - تربیتی آنست که بدانیم این تغییر رفتار در چه زمینه‌ها و در چه سطحی صورت می‌گیرد.

هدفهای تربیتی را می‌توان در سه حیطه مختلف تحت عناوین حیطه شناختی، حیطه عاطفی یا انفعالی و حیطه روانی - حرکتی طبقه‌بندی کرد.

حیطه شناختی شامل تمامی رفتارهایی است که با تواناییهای ذهنی و مهارتهای عقلانی مانند بازشناسی، یادآوری، بیان مطالب آموخته شده، تعبیر و تفسیر مطالب، قضاوت در مورد امور، پدیده‌ها، استدلال و ... مربوط هستند.

حیطه عاطفی به رغبتها، نگرشها، اعتقادات و نظام ارزشی مربوط است، فردی را در نظر بگیرید که بر اثر گذراندن یک دوره آموزشی در ادبیات فارسی نسبت به متون ادبی علاقه مند می‌شود و یا از مطالعه تاریخ جنگ جهانی دوم نسبت به جنگ و تبعیض نژادی نگرش منفی پیدا می‌کند، تمامی این رفتارهایی که در فرد پدید می‌آید در حیطه انفعالی یا عاطفی قرار دارند.

حیطه روانی - حرکتی، شامل آن دسته از رفتارهایی است که با مهارتهای عقلی و اعمال بدنی مرتبط هستند. توانایی و مهارت کارآموز در اموری مانند ماشین‌نویسی، نقشه‌کشی، سیمکشی و تمامی مهارتهای مربوط به انجام کارهای عملی و فنی جزء حیطه روانی - حرکتی به شمار می‌روند.

باید توجه داشت رفتارهای آموخته شده که در هریک از حیطه‌های مذکور قرار می‌گیرند در عین حال با دو حیطه دیگر در ارتباط می‌باشند و نمی‌توان گفت که یک توانایی یا مهارت آموخته شده صرفاً به یک حیطه مربوط است؛ به عنوان مثال فردی که به اصول و عقاید دین مبین اسلام ارج می‌گذارد (حیطه عاطفی) زمانی به این مرحله از اعتقاد می‌رسد که دانش و آگاهی وی از طریق مطالعه آثار و نوشته‌های علمای اسلام توسعه یافته باشد (حیطه شناختی)، همچنین کارآموزی که از عهده ساختن یک رادیو برمی‌آید، باید اولاً اصول و مفاهیم آن قسمت از فیزیک را که در ساختن رادیو بکار می‌رود آموخته باشد (شناختی) و ثانیاً نسبت به این کار علاقه مند شده باشد (عاطفی) زیرا علاقه‌مندی شرط تداوم کوشش در هر زمینه است تا سرانجام بتواند رادیویی بسازد (روانی - حرکتی)، باید توجه داشت هریک از حیطه‌ها خود دارای سطوح و طبقاتی می‌باشند که این سطوح بطورکلی از آسان به مشکل تقسیم‌بندی شده‌اند، شرح هریک از طبقات به تفصیل خواهد آمد.

## طبقه‌بندی هدفهای تربیتی در حیطه شناختی

زیربنای تمام تواناییهای عقلی درحیطه شناختی بشمار می‌رود و از اهمیت خاصی برخوردار است.

### ۲ درک و فهم (فراگیری)

فهمیدن عبارت است از درک و دریافت معنا و مفهوم ظاهری و مستتر در یک مطلب و بیان آن با عبارات و جملاتی که خود فرد می‌سازد. بنابراین فهم و بیان اصول و واقعیات، تفسیر مطالب کلامی، تفسیر جداول، نمودارها و فرمولهای ریاضی، ترجمه مطالب، بسط و پیش‌بینی و تعمیم اصول و قواعد جزء فراگیری می‌باشند.

از طریق سه عنصر می‌توان پی به درک و فهم برد:

#### ☆ الف - تبدیل

برگردانیدن و ترجمه و بیان مطالب با اصطلاحات دیگر مثل برگردانیدن شعر به نثر، تبدیل گفتارهای طولانی به عباراتی کوتاه، تشریح یک فرمول فنی به بیان گفتاری،

#### ☆ ب - تفسیر

توانایی درک کلی یک اثر یا نوشتار که در این مرحله ابتدا باید عمل ترجمه انجام گیرد و سپس تفسیر که مرحله تکمیلی است صورت پذیرد.

#### ☆ ج - استخراج

توانایی نتیجه‌گیری و استنباط از مطالب گفتاری یا نوشتاری، توانایی برآورد یا پیش‌بینی عواقب

در حیطه شناختی هدفهای تربیتی را می‌توان از ساده‌ترین تواناییهای ذهنی تا پیچیده‌ترین مهارتهای عقلی به شش طبقه به ترتیب ذیل طبقه‌بندی نمود:

۱- دانش \* ۴- تجزیه و تحلیل

۲- درک و فهم \* ۵- ترکیب

۳- کاربرد \* ۶- ارزشیابی

باید توجه داشت که شرط رسیدن به هر یک از طبقات حیطه شناختی مستلزم کسب توانایی و مهارت کافی در طبقات پیشین است.

با ذکر مثالهایی به شرح ذیل هر یک از طبقات ششگانه فوق را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

### ۱ دانش

بازشناسی و یادآوری آموخته‌ها مانند مفاهیم، اصطلاحات، قواعد و اصول از مطالب جزئی تا کلی را شامل می‌شود بطور مثال دانستن واژه‌ها در معنی متداول آنها، دانستن رویدادها، نام شخصیتها، مکانها، منابع، تواریخ یا السنه و سنوآت، شناخت علائم و قراردادهای، معیارها، اصول و قوانین کلی همگی جزء این طبقه محسوب می‌شوند. کسب دانش و گسترش اطلاعات و آگاهی، یکی از متداولترین و مهمترین هدفهای آموزشی بشمار می‌رود، زیرا که مواد و ابزار اولیه تمام مهارتهای عقلی به شمار می‌آید. فردی که می‌خواهد درباره مطلب و موضوعی قضاوت نماید یا نتایج یک آزمایش علمی را پیش‌بینی کند و یا یک مسئله ریاضی و اجتماعی راحل کند، در درجه نخست باید اطلاعات و دانش اولیه را در این زمینه‌ها دارا باشد. بنابراین دانش

توانایی تشخیص روابط علت و معلول، توانایی شناخت سفسطه‌ها در هر استدلال، توانایی بازشناسی تعصب خاص یا نظر خاص یک نویسنده از روی نوشتار وی.

### ۵ ترکیب

ترکیب یا آفرینندگی یعنی توانایی پیوند دادن اجزاء به منظور تهیه یک صورت و یا هیأت کلی، ابداع و ساختن یک طرح نوین با استفاده از دانسته‌های پیشین و خلق یک اثر علمی، ادبی، فنی، هنری و یا اجتماعی تازه، ترکیب مستلزم توانایی فرد در نوآوری و ابتکار و خلاقیت است، کسی که به این سطح از توانایی می‌رسد می‌تواند عناصر و اجزاء اولیه را از منابع متعدد گردآوری کند و آنها را طوری به هم پیوند دهد که به صورت یک طرح و ساخت جدید درآید، مثل نوشتن یک داستان ابتکاری، نوشتن مقاله، سرودن شعر، سخنرانی، تألیف و طرح یک آزمایش جدید علمی.

### ۶ ارزشیابی

ارزشیابی یا سنجش عبارت است از داوری آگاهانه درباره ارزش کارها، اندیشه‌ها، راه‌حلها، روشها و ... برای منظوری معین و براساس ملاکی مشخص. ارزشیابی، پیچیده‌ترین سطح توانایی عقل است و کسانی که به این مرحله از مهارت عقلی می‌رسند، عنداللزوم می‌بایستی قبلاً تواناییهای مربوط به تمامی سطوح پیشین را در حیطه شناختی کسب نموده باشند.

اَعْمالی که در هر گفتاری عنوان شده است بطور مثال اگر با استفاده از اطلاعات هواشناسی پیش‌بینی وضع جوی آینده صورت پذیرد، عمل استخراج انجام شده است.

### ۳ کاربرد

کاربرد یا کاربرستن یعنی استفاده از آموخته‌های پیشین در موقعیتهای نوین، حل مسایل جدید و یا استفاده از مطالب و مفاهیم نظری در موارد و موقعیتهای عملی زندگی، رسیدن به این سطح از توانایی مستلزم فراگیری روشها، مفاهیم، نظریه‌ها، اصول و قواعد است. از آنجا که بسیاری از مواد آموزشی به منظور استفاده عملی از آنها در موقعیتهای واقعی زندگی در برنامه‌های آموزشی گنجانیده می‌شوند، لذا اهمیت کاربرستن آشکار و مبرهن می‌باشد.

تفاوت بین کاربرستن و فراگیری در اینست که کاربرستن نوعی انتقال یادگیری به شرایط و موقعیتهای جدید است. حل یک مسئله ریاضی که مشابه آن قبلاً در کلاس حل شده است فراگیری است اما حل یک مسئله ریاضی که دانش آموز اصول و قواعد آن را آموخته اما نظیر آن را قبلاً حل نکرده، کاربرستن است.

### ۴ تجزیه و تحلیل

تجزیه تحلیل یعنی تقسیم کل به اجزای تشکیل دهنده آن، تعیین اجزاء و عناصر و کشف و بیان روابط بین قسمتهای مختلف یک مطلب و نحوه سازمانبندی آنها و شناخت اصول حاکم بر ساخت آن مطلب، مثل

## طبقه‌بندی هدفهای تربیتی در حیطه عاطفی - انفعالی

محركهای مجاور است، مثل رجحان دادن مطالعه و خواندن روزنامه در صورتیکه خواندنیهای دیگری هم موجود باشد.

### ۲ واکنش

در این سطح ما با واکنشهایی سروکار داریم که فراتر از توجه صرف نسبت به پدیده موردنظر است، در این مرحله فرد به اندازه کافی انگیزه داشته و فعالانه توجه می‌کند، سطوح این طبقه بشرح ذیل می‌باشد:

#### ۱-۲- تن در دادن به واکنش

رفتار مربوط به این سطح با واژه‌هایی از قبیل اطاعت یا قبول توصیف می‌شود، در این مرحله فرد واکنش موردنظر را از خود نشان می‌دهد اما کاملاً لزوم انجام آن را نپذیرفته است مثل تمایل به قبول قوانین و مقررات بهداشتی، انجام تکالیف درسی، رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی و ...

#### ۲-۲- تمایل به واکنش

در این سطح واژه تمایل دلالت بر آمادگی فرد برای فعالیت داوطلبانه دارد، در این مرحله واکنش فرد جنبه داوطلبانه و انتخابی دارد، بطور مثال، داوطلبانه به جستجوی کتابهای مورد علاقه خود می‌پردازد یا به عنوان عضوی از اعضای کلاس قبول مسئولیت می‌کند و در کارهای گروهی همکاری می‌نماید.

هدفهای تربیتی در حیطه عاطفی به پنج طبقه بشرح ذیل تقسیم می‌شوند:

### ۱ دریافت

در این سطح منظور این است که فرد از وجود پدیده‌ها و محرکات معینی باخبر شود و مایل به دریافت یا توجه نسبت به آنها باشد که این سطح خود به طبقات زیر تقسیم می‌شود:

#### ۱-۱- آگاهی

آگاهی از حیث رفتار در واقع جنبه شناختی دارد بطور مثال برای علاقه‌مند شدن به کتاب، لازم است فرد از انواع کتاب اطلاع داشته باشد. در این سطح منظور تدارک فرصتهایی است تا فرد صرفاً از آنچه موردنظر است، آگاه گردد. بطور مثال آگاهی از عوامل مربوط به جنبه‌های هنری مثل معماری، نقاشی، پوشاک و ... در این سطح قرار می‌گیرند.

#### ۱-۲- تمایل به دریافت

تمایل به دریافت، رفتاری است که حاکی از نوعی بینظری و برخورد غیر فعال با محرک و همچنین حاکی از تحمل یک محرک، می‌باشد، نه اجتناب از آن، مثل توانایی تحمل سخنرانی دیگران.

#### ۱-۳- توجه کنترل شده

در این سطح ما با پدیده تازه‌ای سروکار داریم که کارش تمیز دادن یک محرک معین از میان سایر

### ۳-۲- رضایت در واکنش

رفتار این سطح با احساس رضایت، واکنش عاطفی که عموماً با ذوق و لذت توأم است همراه می‌باشد بطور مثال لذت بردن از همکاری گروهی، لذت بردن از خواندن شعر و متون ادبی در این سطح قرار می‌گیرند.

### ۳ ارزشگذاری

در این سطح فرد برای چیزی، پدیده‌ای یا رفتاری ارزش قائل است، رفتار این سطح برحسب طبقات از ثبات و پایداری برخوردار می‌باشد بنحوی که بصورت خصلتهای ناشی از دارا بودن یک عقیده یا نگرش در می‌آید. سطوح این طبقه بشرح ذیل می‌باشد:

### ۳-۱- پذیرش یک ارزش

در این سطح، ارزشگذاری فرد هنوز جنبه موقتی دارد و از قوام و دوام کافی برخوردار نیست، مثل اشتیاق به حفظ سلامتی، اشتیاق و ذوق نسبت به هنر در مراحل اولیه.

### ۳-۲- رجحان دادن به یک ارزش

رفتار مربوط به این سطح نه تنها بر پذیرش یک ارزش دلالت دارد بلکه فرد نسبت به ارزش مزبور به اندازه کافی مسئول است، بنحوی که آن را می‌جوید و می‌خواهد، بطور مثال رفتارهایی مثل داشتن علاقه کمک کردن به دیگران، مکاتبه با مطبوعات و اظهار نظر در مورد جریانهای اجتماعی، سیاسی همگی در این سطح قرار می‌گیرند.

### ۳-۳- تعهد

اعتقاد مربوط به این سطح دارای درجه اطمینان بالاتری است در اینجا اندیشه‌های مبتنی بر اطمینان و یقین از سایه شک و تردید فراتر می‌رود و موجب ارتقاء سطح رفتار مورد نظر می‌شود؛ رفتارهایی مثل پذیرش نقش مذهب در زندگی فردی و خانوادگی، وفاداری به خانواده، وفاداری به هدفهای اجتماعی در این سطح قرار می‌گیرند.

### ۴ سازمانبندی (ارزشها)

در جریان درونی شدن ارزشها با موقعیتهایی مواجه می‌شویم که در آنها بیش از یک ارزش مطرح است بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که:

الف - ارزشها بصورت یک نظام یا سیستم سازمانبندی شوند.

ب - روابط درونی و متقابل آنها معین گردد.

ج - ارزشهای مسلط و غالب بنا نهاده شوند.

چنین نظامی از ارزشها بتدریج سازمان می‌یابد و با ظهور ارزشهای جدید در معرض تغییر قرار می‌گیرد. سازمان ارزشها به تناسب افزایش سن تغییر ناپذیرتر می‌شود و از آمادگی فرد برای پذیرش ارزشی که با ارزشهای پیشین او سازگاری نداشته باشد کاسته می‌گردد.

سطوح این طبقه بشرح ذیل می‌باشند:

### ۴-۱- مفهوم سازی یک ارزش

در این سطح علاوه بر ثبات و مداومت طبقه قبلی، کیفیت انتزاع یا مفهوم سازی به آن اضافه می‌شود، این امر به فرد امکان می‌دهد که چگونگی ارتباط یک ارزش را با ارزشهایی که قبلاً داشته است مشاهده

## ۵) تبلور یک ارزش یا یک مجموعه ارزشی در شخصیت

در این سطح از حیطة عاطفی ارزشهایی که پیشتر در سلسله مراتب ارزشی فرد جایگاهی داشتند به صورت نظامی که از ثبات درونی برخوردار است سازمان می یابد. ارزشهای این سطح رفتار فرد را از زمانی که پذیرفته است که چنین رفتار کند برای مدتی کافی کنترل می کند. در این وضعیت فرد به هیچ عنوان تحت تأثیر عواطف و احساسات قرار نمی گیرد به تعبیری در این سطح فرد دارای فلسفه و جهان بینی می شود و سازمان ارزشها با شخصیت او عجین می گردد.

کند، بطور مثال فرد در این سطح معیارهای اخلاقی و هدفهای شخصی خود را در انتخاب مطالب خواندنی و قضاوت درباره آنها دخالت می دهد.

### ۲-۴- سازمان بندی یک نظام ارزشی

در این سطح فرد مجموعه ای از ارزشهایی را که احتمالاً مجزا از یکدیگرند به گونه ای که ارتباط منطقی با یکدیگر داشته باشند در هم می آمیزد، سازمان بندی ارزشها ممکن است به یک ارزش تازه منتهی شود. بطور مثال فرد در این سطح از رفتار در مورد مردم نژادها، فرهنگها، ملیتها و جرف مختلف به داوری می نشیند و سرانجام منصفانه قضاوت می کند.

## طبقه بندی هدفهای تربیتی در حیطة روانی - حرکتی

لازمه انجام هر مهارت حرکتی، گذراندن سه مرحله زیر است:

این سطح قرار می گیرند.

انجام مهارتها در این سطح محتاج به راهنمایی و

کمک دیگران بوده و نظارت مربی را لازم دارد.

\* ۱- آمادگی شناختی (فرد بداند)

\* ۲- آمادگی جسمی (فرد بتواند)

\* ۳- آمادگی عاطفی (فرد بخواهد)

۲- **اجراء عمل بدون کمک یا راهنمایی دیگران**

(اجراء مستقل)

در این سطح فرد قادر خواهد بود مهارتهای حرکتی را بدون کمک و راهنمایی دیگران بصورت اجرای مستقل انجام دهد مثل اندازه گیری سطح و طول و حجم اشیاء بدون کمک دیگران، راه رفتن کودک بدون کمک دیگران.

و تا فرد سه مرحله فوق را نگذرانده باشد قادر به انجام مهارت حرکتی نخواهد بود، هدفهای تربیتی در این حیطة به پنج طبقه بشرح ذیل تقسیم می گردد:

### ۱- آمادگی و تقلید

در این سطح انجام مهارت حرکتی نیاز به الگو دارد تا براساس آن تقلید انجام پذیرد رفتارهایی مثل گره زدن بند کفش با تقلید، راه رفتن بچه در مراحل اولیه، تلفظ اصطلاحات بطرز صحیح بوسیله تقلید در

### ۳- دقت

در این سطح فرد نه تنها قادر است مهارتها را

بطور مستقل بکارگیرد بلکه با نهایت دقت مهارتهای حرکتی را انجام می‌دهد؛ مثل جا انداختن فنر ساعت، اسکی بازی، استفاده از اسکیت و....

#### ۴- هماهنگی حرکات

در این سطح انجام مهارتهای حرکتی با هماهنگی بین اعضاء بدن صورت می‌گیرد مهارتهایی مثل گرفتن ترمز و کلاچ در یک زمان در رانندگی، تنظیم حرکات دست و پا و چشم در کارکردن با چرخ خیاطی،

#### ۵- عادی شدن

در این سطح فرد یک عمل حرکتی را که دارای الگوی پیچیده‌ای است براحتی و با مهارت و بدون شک و تردید، بصورت خودکار و عادی انجام می‌دهد که این سطح بالاترین سطح مهارت حرکتی است و نمونه بارز آن رانندگی است.

آنچه مسلم است بمنظور اثربخشی بیشتر بایستی محتوای هر دوره آموزشی براساس هدفهای رفتاری

مشخص و تدوین شده، تنظیم گردد. چنانچه پس از طی دوره‌های آموزشی هدفهای رفتاری دوره با اصول صحیح و براساس رفتارهای مورد انتظار بیان شوند زبان مشترکی بین برنامه‌ریزان و مؤلفان کتابها و جزوات درسی، اساتید و دانشجویان برقرار می‌سازند و وسیله‌ای صحیح برای ارزشیابی به دست می‌دهند، آموزش دهنده در پرتو هدفها می‌تواند تغییرات رفتاری مورد انتظار را با دقت بیشتری مشخص کند و برنامه آموزشی مناسبی برای رسیدن به آنها ترتیب دهد. تعیین هدفها این امکان را به آموزش دهنده می‌دهد تا آزمونها مناسبی براساس هدفها تهیه کرده و به وسیله آنها نتایج کار خود و آموزش گیرندگان را ارزیابی کند. دانش آموزان نیز با آگاهی از هدفهای رفتاری دوره می‌توانند به میزان پیشرفت خود پی‌برند و فعالیتهای یادگیری را متناسب با اهداف تعیین شده تنظیم نمایند.

#### منابع:

۱) هدفهای رفتاری برای تدریس و ارزشیابی - تألیف: نرمان ای گرونلند - ترجمه:

امان ۰۰۰۱ صفوی

۲) شیوه‌های ارزشیابی از آموخته‌های دانش آموزان - تألیف: حسن پاشا شریفی - علی‌رضا

کیامنش

۳) یافته‌های حاصل از سمینار تدوین هدفهای رفتاری و ارزشیابی هدفها (معاونت آموزش

فنی و حرفه‌ای - وزارت آموزش و پرورش ۴ بهمن ماه لغایت ۶ اسفندماه ۱۳۶۶)